

بازتاب آموزه‌ها و دستورات اخلاقی اسلام در دیوان شهریار (با استناد به قرآن و حدیث)

محبوبه مسلمی‌زاده*

تاریخ دریافت: ۹۵/۱/۲

تاریخ پذیرش: ۹۵/۴/۲۸

چکیده

دین مبین اسلام حاوی آداب و دستورهایی است که عقیده و عمل بدان، رفتار انسان را جهت بخشیده زندگی او را هدفمند و متعالی می‌سازد. محمدحسین شهریار که به فرموده مقام معظم رهبری یکی از شاخص‌ترین الگوهای است که با الهام از معنویت و کلام خدا و اولیاء و اوصیاء جاودانه شد، اشعارش یکسره از اعتقاد مذهبی‌اش تأثیر یافته، اصول و فروع و دستورات این دین مقدس در آن‌ها نمود بارز یافته است، با این حال در نوآوری مضمون کوشیده اما از طبیعت اندیشه و حال و هوای ایرانی بیرون نرفته است. در این مقاله، به اقتضای مجال، دستورات و ارزش‌های اخلاق اسلامی و اصول و فروع دین از کلیات دیوان شهریار استخراج و با استناد به آیات و احادیث و روایات، مورد بحث و بررسی قرار گرفته و اعتقاد راسخ و ریشه‌دار شهریار هرچه بیش‌تر تبیین شده است.

کلیدواژگان: شهریار، ارزش‌های اخلاق اسلامی، اصول و فروع دین، ایام و اعیاد اسلامی، توسل به امامان، قرائت قرآن.

* عضو هیأت علمی گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ایذه، ایذه، ایران (استادیار).

مقدمه

«سید محمد حسین بهجت تبریزی متخلص به «شهریار» به سال ۱۲۸۵ش در تبریز متولد شد. پدرش میرزا آقا خشکنابی وکیل عدلیه و از افراد سرشناس تبریز بود. دوران کودکی شهریار مصادف بود با ایام انقلاب تبریز در جریان نهضت مشروطه، از این رو مدتی در روستاهای اطراف تبریز به سر برد. تحصیلات خود را در تبریز آغاز کرد و در مدرسه دارالفنون تهران به پایان رساند. پس از پایان دوره متوسطه، وارد دانشکده پزشکی شد اما کمی پیش از آنکه این دوره را به پایان برد، به دلیل تنگدستی و در پی یک شکست عاطفی، تحصیل طب را رها کرد و در خط شاعری افتاد. از سال ۱۳۱۰ به ناگزیر به خدمات دولت درآمد و پس از چند بار تغییر شغل و سمت، سرانجام در بانک کشاورزی به کار پرداخت و تا ایام بازنشستگی به همین خدمت مشغول بود» (یاحقی، ۱۳۸۵: ۱۷۶). «در ۱۳۳۲ به تبریز بازگشت و مدت‌ها با حقوق بازنشستگی مختصر بانک کشاورزی به سختی زندگی می‌گذراند تا اینکه در ۱۳۳۶ عنوان استادی افتخاری دانشکده ادبیات تبریز به وی اعطا شد» (آرین‌پور، ۱۳۸۲: ۵۱۰).

«شهریار بیش‌تر اوقات خویش را با شعر و ادب سر می‌کرد و به‌ویژه در سال‌های انقلاب و پس از آن به موضوعات دینی و اخلاقی روی آورد» (یاحقی، ۱۳۸۵: ۱۷۶). «وی در سرودن انواع شعر سنتی فارسی از قصیده و مثنوی گرفته تا غزل و قطعه و رباعی مهارت داشت. هم‌چنین در طریق نیمایی نیز طبع‌آزمایی کرده که در آن‌ها روح انسان‌دوستی و هم‌دردی با جهان انسانی گرفتار در چنگال تمدن صنعتی موج می‌زند. شهریار به زبان مادری خود، یعنی ترکی آذربایجانی، اشعار نغزی سروده است. منظومه «حیدربابا» از شاهکارهای ادبیات ترکی آذربایجانی است که در آن شاعر با دل‌دادگی تمام از اصالت و زیبایی‌های روستا و فرهنگ روستایی یاد کرده است» (یاحقی، ۱۳۸۵: ۱۷۷).

اشعار شهریار «به زبان فصیح استادانه و مملو از عبارات و اصطلاحات عامیانه و بازاری است، شعرهایی مقید به تمام اصول و قواعد سبک کلاسیک که اغلب به مناسبت حال و مقال سروده شده، از این روست که شاعر، در آوردن لغات و تعبیرات روز و اصطلاحات معمول عامیانه امساک نمی‌کند. کلمات زیبا و قافیه‌های رنگین را با تردستی شکار

می‌کند، فکر و اندیشه و مضامین نو را با مصالحی که غالباً از استادان قدیم به عاریه گرفته، کار می‌گذارد» (آرین‌پور، ۱۳۸۲: ۵۱۳). «شهریار به شاعران طراز اول فارسی یعنی فردوسی، سعدی، مولوی و حافظ عشق می‌ورزید و به‌ویژه شعر و اندیشه حافظ را پیوسته می‌ستود. شهریار را شاعری شاد و صاحب طبع و احساس رقیق و بذله‌گو می‌یابیم» (یاحقی، ۱۳۸۵: ۱۷۹). «شعرهای شهریار صبغه دینی و ارزشی دارد و این مسأله را می‌توان از ذکر فضایل و مناقب رسول خدا (ص) و امامان شیعه (ع) به‌ویژه امام علی دریافت. شهریار دین اسلام را آیین محبت می‌داند که هیچ اجباری در آن نیست و شیطان نمی‌تواند به آن راه یابد» (ممتحن و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۴۵).

شعر او که شعر سنت‌گرای معاصر به شمار می‌آید از نظر قالب و صورت بر همان شیوه پیشینیان است و از نظر محتوایی، بازتاب تصاویر مربوط به زندگی روزگار خود شاعر است؛ بافت و تصاویر تازه و رنگی از مفاهیم غنایی روزگار از نگاه انسان امروز، در شعر او به چشم می‌خورد. نوآوری او در مضمون تا جایی است که از طبیعت اندیشه و ذوق و حال و هوای ایرانی خارج نشده، بی‌تکلف از پنجره مشهودات و محسوسات خود به شعر نگریسته در فکر اتخاذ مضامین گذشتگان و ابداع افکار و محتویات نامأنوس و عجیب و غریب نبوده است. هنر او در سرودن غزل‌های ساده از دل برآمده به شیوه خاص، توصیفات دقیق شاعرانه از مظاهر ملی، کاربرد اصطلاحات عامیانه و ابداع آثار عاطفی بسیار عمیق است. عشق نافرجام شهریار و تحولات درونی، او را به تلاطم معنوی ویژه‌ای کشاند تا رنگ و بوی شعرش دیگرگون شد.

وی در میدان توحید و وادی عرفان نیز یکه‌تاز است و اعتقاداتش در این زمینه در اشعارش متجلی است. وی پس از پیروزی انقلاب اسلامی، اشعاری مانند «تشریف قبول» و «مقام رهبری» سرود و مشتاقانه با انقلاب و آرمان‌ها و منویات بنیان‌گذار و معمار فقید انقلاب اسلامی (ره) هم‌نوایی کرد که از آب‌شخور ایمان و اعتقاد استوار وی به اسلام و عرفان سرچشمه می‌گیرد. به جز مضامین دینی و اعتقادی، شهریار، مضامین و مظاهر ملی و حماسی، یادکرد شخصیت‌های «شاهنامه»، هم‌چنین ضرب‌المثل، اصطلاحات موسیقی - که تسلط وی را در این هنر نشان می‌دهد به‌ویژه که او خود سه‌تار هم می‌نواخته - باورهای عامیانه و مذهبی و آداب و رسوم و اخلاق اسلامی و ایرانی نیز در

شعر او هنرمندانه به کار رفته است؛ به گونه‌ای که می‌توان فرهنگی از این مضامین را از کلیات دیوان شهریار فراهم آورد. «اشعار دینی او نشأت گرفته از مذهب تشیع و ارزش‌های فاخر اسلامی بود. وی افکار دینی را با امور جامعه خود تطبیق داده است و دوست‌دار و محبّ اهل بیت (ع) بود و آن‌ها را ستایش می‌کرد» (ممتحن و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۵۳).

اما در این میدان، آنچه هدف این مقاله است، بررسی نمودهای آداب، آیین و دستورهای ارزشی اخلاق اسلامی در کلیات دیوان شهریار است که بدین منظور دیوان مذکور یکسره بازخوانی و ابیاتی که این جلوه‌ها را منعکس کرده استخراج و بررسی شده است.

پیشینه تحقیق

برخی از تحقیقات که پیش‌تر در این زمینه بر شعر و دیوان شهریار انجام شده عبارت‌اند از:

- شریف‌پور، عنایت‌الله؛ کاظمی، داریوش؛ دهقانی، فرشته (پاییز ۱۳۸۹)، «بازتاب جشن‌های ایرانی و اعیاد اسلامی در شعر شهریار»، مجله مطالعات ایرانی، شماره ۱۸، از ۱۵۹ تا ۱۷۸.

- سفیدگر شهانقی، حمید (پاییز ۱۳۸۶)، «عناصر فولکلور آذربایجان در دیوان ترکی استاد شهریار»، مجله فرهنگ مردم ایران، شماره ۱۰، از ۸۷ تا ۱۱۶.

- ممتحن، مهدی؛ محمدیان، حسین؛ رودینی، محمد / امین (پاییز ۱۳۸۹)، «دین در اندیشه جواهری و شهریار»، مجله مطالعات ادبیات تطبیقی، شماره ۱۵، از ۱۴۳ تا ۱۶۴.

- طاهری، سید محمود (بهار ۱۳۹۲)، «بررسی عفاف و حجاب در شعر فردوسی و نظامی و شهریار»، مجله مطالعات جوان و رسانه، شماره ۴، از ۹۱ تا ۱۱۶.

- علیمیرزالی، وحیده (زمستان ۱۳۸۵)، «بازتاب آیین‌های ماه محرم در دیوان شهریار»، مجله ادبیات فارسی، شماره ۸، از ۱۷۸ تا ۲۰۳.

فرضیه تحقیق

شهریار در سرودن بسیاری از اشعار خود قرآن کریم و احادیث نبوی را پیش چشم داشته و در دیوان او اشعار بسیاری مستقیم یا غیرمستقیم با تکیه بر تعالیم و معارف قرآن و حدیث سروده شده است.

بررسی دیوان شهریار

دین اسلام برترین و کامل‌ترین دین آسمانی است که در هر موردی، آموزه‌هایی اخلاقی را برای زندگی متعالی انسان‌ها معرفی می‌کند تا آن‌ها را به سوی زندگی هدفمند الهی رهنمون سازد. این تعالیم که در قرآن کریم و سنت نبوی (ص) و روایات ائمه معصوم (ع) بارها سفارش شده، آدابی هستند که آدمی با عمل بدان، رفتارهایی جهت‌مند یافته به سوی آرمان‌های دینی و رفتارهای اسلامی سوق می‌یابد. از جمله تعالیمی در خصوص زندگی و معاشرت، مرگ و عزاداری و سوگواری، اعیاد و جشن‌ها و ایام و لیالی خاص، آداب مسجد و تکیه و حسینیه، وردها و ذکرها و دعاها، مناجات، نذر و نیاز و بسیار دیگر. از آنجا که شهریار نیز شاعری پای‌بند و معتقد به شعائر دین اسلام بود، بسیاری از این دستورات و مناسک در دیوان اشعارش جلوه یافته است.

احترام به والدین

«اساس روابط در خانواده، احترام، محبت و مودت، بیان خوش، هم‌دردی و تفاهم است. در فرهنگ ارزش‌های اسلامی، مقام والدین پس از مقام خداوند و توصیه‌ها و سفارش‌ها در رعایت احوال آن‌ها پس از توصیه به عبادت خدا و خودداری از شرک اوست. خداوند پس از امر به شکر و سپاس خویش، سپاس‌گزاری از والدین را مطرح می‌سازد: ﴿أَنِ اشْكُرْ لِي وَلِوَالِدَيْكَ﴾ «لقمان/۱۴» (قائمی، ۱۳۶۴: ۱۳۹). در قرآن کریم آیات متعددی در احترام به پدر و مادر وجود دارد نظیر:

﴿وَاحْفَظْ لَهُمَا جَنَاحَ الذُّلِّ مِنَ الرَّحْمَةِ﴾ (اسراء/۲۴)

«از سر مهربانی بال فروتنی بر آن‌ها بگستر»

و جای دیگر فرماید:

﴿وَلَا تَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا وَلَا تَنْهَرُهُمَا﴾ (اسراء/۲۳)

«به آن‌ها حتی آف مگو و به آن‌ها پرخاش مکن»

پس احترام و تواضع، اطاعت از والدین، نیکی به آن‌ها، هم‌دلی، شکر و دعا از وظایف فرزندان به والدین است که در روایات ائمه و قرآن کریم بدان توصیه شده است. شه‌ریار بر پایه این توصیه الهی به دخترش سفارش می‌کند که:

به تو ای یگانه دختر سزد احترام مادر که تو بدری و نهانی به هلال آدمیت (شه‌ریار، ۱۳۷۰: ۱۰۱۸)

ازدواج

خداوند سبحان ازدواج را مایه آرامش روح و روان و ایجاد پیوند دوستی و محبت بیان می‌کند:

﴿خَلَقَ لَكُمْ أَنْزَاجًا لِيَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً﴾ (روم/۲۱)

«همسرانی برای شما آفرید تا بدان‌ها آرام گیرید و میانتان دوستی و رحمت نهاد»

در قرآن از این پیوند به واژه «نکاح» تعبیر شده است. محمد غزالی گوید: «بدان که نکاح کردن از جمله آداب راه دین است همچون غذا خوردن. چنانکه راه دین را به حیات و بقای شخص آدمی حاجت است- و حیات بی طعام و شراب ممکن نیست- پس هم‌چنین به بقای جنس آدمی و نسل وی حاجت است و این بی نکاح ممکن نیست» (۱۳۹۰، ج ۱: ۳۰۱). ازدواج و به اصطلاح امروز عروسی، مراسم و آیینی داشته که از کهن‌ترین روزگار تا کنون در ایران، فراز و فرود تحولات بسیاری را پیموده، برخی منسوخ و برخی با تغییراتی همچنان مصون و مرعی است.

در شعر شه‌ریار کلمات و اصطلاحات مربوط به ازدواج و رسوم آن به فراوانی به چشم می‌خورد؛ واژگانی چون آینه بخت، حجله عروس، ولیمه عروسی، صیغه عقد، عروس و مشاطه، آینه‌داری، حلقه ازدواج، قباله، مهر و کابین، نثار و شاباش، جهیزیه و طلاق!

آئین عروسی و چک و چانه زدن نیست بستند همه چشم و چک و چانه بگرییم (شه‌ریار، ۱۳۷۰: ۱۱۵)

به دل جشن و عروسی وعده کردم ندانستم که ماتم دارم امشب

(همان: ۱۱۶)

به شادباش عروسی شاعرانه من زمین به پای تو گل ریخت آسمان گوهر

(همان: ۵۶۲)

به شادباش عروس لاله چون رقاصه گلبن به صد دامن گل افشانیم و در پایش سراندازیم

(همان: ۸۲۶)

ثریا پایکوب از ارغنون زهره چنگی به پیشاپیش این علوی عروس آسمان آرا

(همان: ۳۸۲)

حلقه نامزد آورده به مشت تا به انگشت کند خلقی کشت

(همان: ۶۰۲)

دریغ ای نوعروس بخت با ما نیسته عقد مشتاق طلاق

(همان: ۲۳۱)

شهریار از رسوم مرسوم دین اسلام، ازدواج را خداپسندانه‌تر می‌داند و گوید با ازدواج
نیمی از ایمان محصور می‌شود. خانه‌ای که در آن زن نیست زندان است و زن و فرزند
چراغ خانه مرد خداست و ترک ازدواج، ترک شریعت است. پس اکثر اهل دوزخ عزّاب‌اند.
عروس‌شاه می‌شود که ماه خوانده عقد او عطاردش به آب زر بزک کند قباله را

(همان: ۱۱۸۹)

عروس گل از شو گرفته طلاق عجوزش به سر کوفت رخت و جهیز

(همان: ۱۷۲)

اصول و فروع دین

دین اسلام اصولی دارد که باید بدان اصول اعتقاد داشت و در سایه آن‌ها به فروع دین
عمل کرد. این اصول در نزد شیعه عبارت‌اند از توحید، عدل، نبوت، امامت، معاد؛ و فروع
آن: نماز، روزه، حج، زکات، خمس، جهاد، امر به معروف، نهی از منکر، تولی، تبری. در
دیوان شهریار بعضاً این اصول و فروع به کار رفته است.

۱. امر به معروف و نهی از منکر

امر به معروف و نهی از منکر «قطبی است از اقطاب دین که همه انبیاء را بدین فرستاده‌اند و چون این مندرس شود و از میان خلق برخیزد همه شعار شرع باطل شود» (غزالی، ۱۳۹۰، ج ۱: ۴۹۹). «امر معروف و نهی منکر واجب است که خدای تعالی گوید:

﴿وَلْيَكُنْ مِنْهُمْ أُمَّةٌ يُدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ﴾ (آل

عمران/۱۰۴)

فرمان می‌دهد و می‌گوید باید که از شما گروهی باشند که کار ایشان آن باشد که خلق را به خیر دعوت کنند و معروف فرمایند و از منکر بازدارند. و این دلیل است که این فریضه است.

﴿الَّذِينَ مَكَتَاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَآمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ

الْمُنْكَرِ﴾ (حج/۴۱)

امر معروف با نماز و زکات به هم نهاد و اهل دین را بدین صفت یاد کرد» (همان: ۵۰۰).

به نزد مردم عاقل همیشه امر معروف چنانکه ناهی از منکر به نزد زمره جاهل (همان: ۹۸۷)

۲. جهاد

کارزار کردن با دشمنان در راه خدا و جنگیدن در راه حق را جهاد گویند. در قرآن نیز آیاتی درباره جهاد و جایگاه والای آن ذکر شده مانند:

﴿أَجْعَلْتُمْ سِقَايَةَ الْحَاجِّ وَعِمَارَةَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ كَمَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَجَاهَدَ فِي سَبِيلِ

اللَّهِ﴾ (توبه/۱۹)

«آیا سیراب ساختن حاجیان و آباد کردن مسجد الحرام را همانند کار کسی پنداشته‌اید که به خدا و روز بازپسین ایمان آورده و در راه خدا جهاد می‌کند»

﴿إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًّا﴾ (صف/۴)

«در حقیقت خداوند دوست دارد کسانی را که در راه او صف در صف جهاد می‌کنند»

حضرت علی(ع) در خطبه ۲۷ نهج البلاغه فرموده: «فَإِنَّ الْجِهَادَ بَابٌ مِنْ أَبْوَابِ الْجَنَّةِ فَتَحَهُ لِخَاصَّةِ أَوْلِيَائِهِ»: «جهاد دری است از درهای بهشت که خداوند تنها به روی اولیاء خاص خویش گشوده است»:

قدم نمی‌نهد آلا به جای پای پیمبر که بر سبیل جهاد است سیر عارف کامل (همان: ۹۸۷)

حیات مرد خدا خود عقیدتست و جهاد عبارتی است که سلطان کربلا فرمود (همان: ۹۸۳)

۳.روزه

غزالی گوید: «روزه یکی از ارکان مسلمانی است و رسول(ص) گفت که خدای تعالی می‌گوید: هر نیکویی را ده مکافات می‌کنم تا هفتصد مگر روزه که آن من است خاصه و جزای آن می‌دهم. و گفت(ص): چون ماه رمضان درآید، درهای بهشت بگشایند و درهای دوزخ در بندند و شیاطین را در بند کنند و از عظیمی فضل وی آن است که این عبادت را با خود نسبت کرد و گفت: الصَّوْمُ لِي وَ أَنَا أُجْزِي بِهِ. و روزه لشکر وی (ابلیس) را بشکند که حقیقت وی ترک شهوت است» (۱۳۹۰، ج ۱: ۲۰۷). «پیغامبر علیه السلام گفت: لِكُلِّ شَيْءٍ بَابٌ وَبَابُ الْعِبَادَةِ الصَّوْمُ يَعْنِي هَرَّ شَيْءٍ رَأَى اسْتِ وَ دَرَّ عِبَادَتِ رَوْزِهِ اسْتِ» (همان: ۵۰۷):

ماه عبادت است و من با لب روزه‌دار از این قول و غزل نوشتنم بیم گناه کردن است (شهریار، ۱۳۷۰: ۱۰۵)

تا روزه‌ام به مرتع افلاک می‌چرم آری رسن دراز بود ترک آز کن (همان: ۹۴۷)

شهریار گوید حکمت روزه‌داشتن صبرآموزی و تسلط داشتن بر نفس است و باعث رمیدن شیطان می‌گردد. عارفان بی‌صبرانه حلول ماه رمضان را چشم دارند تا به آفتاب ریاضت، میوه معرفتشان رسیده عطش روزه بدان ببرند. وی به انسان‌ها توصیه می‌کند که

روزها و شب‌های پربرکت رمضان را به غفلت از دست ندهند. وی در قصیده‌ای به نام «اسلام و خدمت اجتماع» به بیان ثواب روزه پرداخته گوید ثواب روزه فقط در نخوردن و ننوشیدن نیست و داستانی از پیغمبر(ص) بیان می‌کند که در بیابان بر کاروانی می‌گذرد که از تف گرما و عطش بی‌رمق شده با این حال گروه بی‌روزه به خدمت و کمک روزه‌دارانی شتافتند که به حال ضعف و غش افتاده بودند:

عقل کل فرمود این‌ها بی صیام اجر را بردند با سنگ تمام
(شهریار، ۱۳۷۰: ۴۰۰)

و نتیجه می‌گیرد که:

روزه‌داری با همه اجر و ثواب پیش این خدمت نیامد در حساب
روی دوش خلق روزه داشتن چیست؟ باری بار خود برداشتن
(همان: ۴۰۱)

۴. افطار

از ضروریات روزه افطار است و آن گشودن روزه است به وقت غروب: روزه‌داری و شب افطار به سائل دادن شمه‌ای از کرم حاتم درویشان است
(شهریار، ۱۳۷۰: ۲۸۷)

و در ستایش امام علی(ع) گوید:

روزه‌داری که به مهر اسحار بشکند نان جوین افطار
(همان: ۶۱۶)

۵. شب قدر

از شب‌های متبرک اسلامی است که در قرآن آمده: شب قدر از هزار ماه بهتر است: ﴿تَنْزِيلُ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ فِيهَا يَأْتِنِ رَبِّهِمْ﴾ (قدر/۴). قرآن نیز در این شب نازل شده و روایت کنند که خداوند سرنوشت همه چیز از باران و روزی و زنده کردن و میراندن در آن سال را در این شب معین و مقدر فرمود. هم‌چنین در این شب خیرات و برکات نازل و

سرنوشت مردم و منافع مادی و معنوی آن معین می‌گردد. بیش‌تر علمای امامیه بر آن‌اند که شب قدر از شب بیست و یکم و یا بیست و سوم ماه رمضان بیرون نیست. شب قدرش هزار ماه خداست گوش کن نکته پروریده شود (شهریار، ۱۳۷۰: ۱۴: ۱۰)

۶. عید فطر

حلول هلال شوال و عید فطر یکی از باشکوه‌ترین مراسم اختتامی ماه رمضان است و چنان شاعران را به شور آورده که ابروی معشوق را به این هلال تشبیه کرده‌اند و شهریار هم:

می‌نمایم به عشوه‌ای ابرو که به شب‌های عید روزه، هلال (۱۳۷۰: ۳۴۵)

۷. نماز

یکی از فروع دین و اعظم عبادات است. پیغمبر (ص) فرموده است: «نماز ستون دین است که اگر قبول درگاه خداوند عالم شود عبادت‌های دیگر هم قبول می‌شود و اگر قبول نشود عبادت‌های دیگر هم قبول نمی‌گردد» (رک. کافی، ۲: ۱۹، ح ۵ و ۳).

﴿قَوْلٌ لِلْمُصَلِّينَ الَّذِينَ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ﴾ (ماعون/۵)

﴿إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ﴾ (عنکبوت/۲۹)

نمازها را شمار بسیار است از فریضه و سنت و نیز هر یکی را شرایطی و احکامی است (رک. لغتنامه دهخدا، ذیل صلاة) و مقدمات و سنت‌هایی دارد: طهارت، وقت، لباس، مکان و قبله؛ اعمالی که انجامش در نماز واجب است ارکان نماز هستند: نیت، تکبیرة الاحرام، قیام، قرائت، رکوع، سجده (تشهد و سلام).

چنان ز پای نشستم که جز به حشر نخیزم چه نابجای قعودی و نارسای قیامی (شهریار، ۱۳۷۰: ۱۲۰)

این وضو گیرد و آن یک به نماز این دعا خواند آن یک آواز (همان: ۶۰۱)

اگر نماز شهیدان ظهر عاشورا است نماز من به خدا نیست جز قیام و قعود
(همان: ۹۸۲)

قرآن نماز را بر مؤمنان واجب کرده است:

﴿إِنَّ الصَّلَاةَ كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَوْقُوتًا﴾ (نساء/۳۰۳)

«نماز کفارت گناه باشد، وجه تمایز بین مؤمن و منافق است که هر که آن را ترک کند دین را ویران کرده است، هم‌چنین نماز کلید بهشت است» (غزالی، ۱۳۹۲، ج ۱: ۳۲۹). شهریار تنها راز و نیازی را که سبب قبول اهل دل است، دوگانه‌ای می‌داند که به درگاه خداوند صمد به جا آورده می‌شود.

چون چنگ خمیده پیر چنگی تا نیمه شب نماز کرده
(شهریار، ۱۳۷۰: ۵۶۸)

۸. اذان

در لغت به معنی اعلام و آگاهی است و «در اصطلاح شرع، جملات خاصی است که پیامبر(ص) آن‌ها را از عالم غیب دریافت و به مردم ابلاغ کرد» (مروجی طبسی، ۱۳۸۸: ۳۷). هم‌چنین نوعی اعلام وقت شرعی است برای ورود به حریم نورانی نماز.

از کلیسا همه گلبانگ اذان می‌شنوم گرچه ناقوس مخالف به طنین اندازی است
(همان: ۲۷۲)

گاه عیان در اذان مسجد جامع گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
(همان: ۵۳۲)

۹. وضو

خداوند سبحانه و تعالی می‌گوید: ﴿إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ وَيُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ﴾. خدای تعالی پاکان را دوست دارد و رسول(ص) گفت: «الطَّهْرُ شَطْرَةُ الْإِيمَانِ». و نیز گفت: «بَنَى الْإِسْلَامَ عَلَى النِّظَافَةِ». غزالی چهار طبقه برای نظافت قائل است که طبقه چهارم آن را طهارت می‌داند که آن: «پاک داشتن تن و جامه از پلیدی‌هاست تا جمله تن آراسته شود به رکوع و سجود و به ارکان نماز و این درجه پاکی مسلمانی است که فرق میان مسلمان و

کافر در معاملات بدین نماز است و این پاکی نیز یک نیمه از ایمان است» (غزالی، ۱۳۹۰، ج ۱: ۱۴۰) و شهریار می‌سراید:

به سوی کعبه عشق ای مرید دیر و حرم بیا نماز گذاریم اگر وضو داری
(شهریار، ۱۳۷۰: ۱۸۹)

محراب ابروانت خواند نماز دل‌ها آری بمیرد آن دل کز خون وضو ندارد
(همان: ۲۶۳)

۱۰. سجده

در فضیلت سجود پیامبر (ص) فرمود: «مَإِ مِنْ مُسْلِمٍ يَسْجُدُ لِلَّهِ سَجْدَةً أَلَّا رَفَعَهُ اللَّهُ بِهَا دَرَجَةً وَحَطَّ بِهَا عَنَّهُ خَطِيئَةٌ» (غزالی، ۱۳۹۲، ج ۱: ۳۳۵).

شبهانگت به ذکر حلقه تسبیح می‌پرداخت صبا با نونهالان سجده تعظیم می‌آموخت
(شهریار، ۱۳۷۰: ۵۱۱)

حاجت خلق برآریم و به پیشانی باز سجده بر درگه آن قبله حاجات بریم
(همان: ۸۸۲)

۱۱. ذکر و تسبیح و دعا

تسبیح، خدای را به پاکی یاد کردن است. قال الله تعالی: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا﴾ (احزاب/۴۱). صاحب «کیمیای سعادت» (ج ۱: ۲۵۲) مقصود و لبّ و لباب همه عبادت‌ها را یادکرد خدای تعالی داند و گوید که عماد مسلمانی نماز است و مقصود از وی ذکر حق تعالی است. شهریار در مناجات خود سر تعظیم بر پیشگاه حق فرو می‌آورد و گوید دل ذرات هم به تسبیح جمال جاودان حق و طواف عرش مشغول است:

قمریان راست بر آن عرش عفاف چون ملایک همه تسبیح و طواف
(همان: ۵۷۹)

ذکر تسبیح جمال مطلق مست حق ساخته با حق ملحق
(همان: ۶۱۲)

وی معتقد است اگر بندگان گوش باطن بگشایند، نغمه تسبیح خدا را از ساز ذرات جهان هستی می‌شنوند و از پروردگار می‌خواهد که:

الهی معاصی به جان سوز ما را
چراغ هدایت بر افروز ما را
به تسبیح و تکبیر اهل سماوات
که درس عبادت بیاموز ما را

(همان: ۱۱۵۷)

ابوالقاسم قشیری گوید: «ذکر رکنی قوی است اندر طریق حق سبحانه و تعالی و هیچ کس به خدای نرسد مگر به دوام ذکر» (قشیری، ۱۳۷۹: ۳۴۷) و از برترین ذکرها «تسبیح و تهلیل و تکبیر و صلوات» است که باقیات صالحات باشد. باقیات صالحات همه کردارهای نیکی است که در این جهان از کسی صادر می‌شود. در قرآن در سوره کهف آیه ۴۶ و سوره مریم آیه ۷۹ این اصطلاح آمده است که در این آیات جهان مادی و نعمت‌های آن را ناپایدار دانسته انسان‌ها را به تلاش برای کسب توشه آخرت فرامی‌خواند و پاداش نیک باقیات صالحات را متذکر می‌شود. «رسول گفت باقیات صالحات این کلمات است: سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر» (غزالی، ۱۳۹۰، ج ۱: ۲۵۸). سخن بس بود محصول حیاتم پس از من باقیات صالحاتم

(شهریار، ۱۳۷۰: ۴۳۳)

«و در فضیلت تهلیل، رسول (ص) فرماید: گوینده لا اله الا الله اگر صادق باشد در آن و به بسیاری خاک زمین گناه دارد از وی درگذرانند. و گفت: هر که لا اله الا الله به اخلاص بگفت در بهشت شود» (غزالی، ۱۳۹۰، ج ۱: ۲۵۸).

ستایش مر خدا را شایدو شکر و سپاس او را شهادت می‌دهم کز ما سوای او خدایی نیست

(شهریار، ۱۳۷۰: ۱۱۷۷)

و در فضیلت صلوات، *غزالی* گوید: «رسول (ص) گفت: هر که بر من صلوات می‌دهد ملائکه جمله بر وی صلوات دهند و گفت هر که بر من صلوات دهد ده نیکی وی نویسند و ده بدی از وی بسترند» (۱۳۹۰، ج ۱: ۲۵۹).

کفر بودی چو ترک صوم و صلوه
ذکرشان بی سلام و بی صلوات

(شهریار، ۱۳۷۰: ۴۸۱)

پیغامبر (ص) گفت: «دعا مغز عبادت است و کلید حاجت‌هاست». قال الله تعالی:

﴿وَقَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ﴾ (غافر/۶۰)

﴿ادْعُوا رَبَّكُمْ تَضَرُّعًا وَخُفْيَةً إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ﴾ (اعراف/۵۵)

غزالی دعا را آدابی داند، یکی: «وقتهای شریف چون روز عرفه از سال و رمضان از ماه و آدینه از هفته و وقت سحر از ساعت‌های شب» (غزالی، ۱۳۹۲، ج ۱: ۶۶۲).

دعای امت یونس بلا بگردانید که ناله سدّ نزول بلا کند به

(شهریار، ۱۳۷۰: ۹۸۳)

«دوم آن که حال‌های شریف نگاه دارد. بوه‌ریه رضی الله عنه گفت که در سه حال دره‌های آسمان بگشایند: یکی صف کشیدن غازیان و دوم باریدن باران و سوم گزاردن نماز فرض پس در این حال دعا را غنیمت دارید. سوم آن که در دعا روی به قبله آرد چهارم آن که آواز میان بلندی و پستی دارد. پنجم آن که در دعا تکلف سجع نکند چه حال دعا گوینده باید که تضرّع باشد و تکلف مناسب آن نیست. ششم زاری و فروتنی و ترس هفتم. آن که دعا به جزم گوید و در اجابت متیقّن باشد و امیدش در آن صادق بود. هشتم آن که در دعا الحاح کند و سه بار مکرّر گرداند» (رک. غزالی، ۱۳۹۲، ج ۱: ۶۶۷-۶۶۲).

او به خواب ناز و من با طره دل‌بند او تا سحرگه داشتم راز و نیاز خویش را

(همان: ۲۵۷)

«نهم آن که استفتاح دعا به ذکر خدا باشد و به سؤال آغاز نکند و دهم ادب باطن است و اصل اجابت آن که توبه کند و مظالم باز دهد و به کنه همّت روی به حق تعالی آرد چه این سبب قریب اجابت است» (رک. غزالی، ۱۳۹۲، ج ۱: ۶۶۷-۶۶۲).

۱۲. شهادتین

دو شهادت، گفتن «اشهد ان لا اله الا الله» و «اشهد ان محمداً رسول الله» است که با آن، شخص در زمره مسلمانان درآید و از حقوق اسلام بهره‌مند گردد. تشهّد از ارکان نماز نیز به شمار می‌آید:

من نیم مدّاح لیکن اشهد بالله که هست ذات پاک میر بر هر مدحتی شایان همی

(شهریار، ۱۳۷۰: ۳۴۲)

ستایش مر خدا را شاید و شکر و سپاس او را شهادت می‌دهم کز ماسوای او خدایی نیست
شهادت می‌دهم پیغمبر خاتم محمد را که چون شمس الضحای طلعتش نورالهدائی نیست
(شهریار، ۱۳۷۰: ۱۱۷۷)

۱۳. حج

اصطلاحات مربوط به حج در دیوان شهریار فراوان به کار رفته:
حریم روضه رضوان حرام من بادا گر اختیار کنم جز طواف طوبا را
(شهریار، ۱۳۷۰: ۸۸۴)
صوفی صافیم به کعبه دل از سر صقّه صفا بروم
(همان: ۱۰۸)

۱۴. توحید

در لغت یگانه کردن و به یگانگی وصف نمودن و علم توحید علمی است که بدان شناخته شود که غیر خدا وجود حقیقی نیست و اشیا مظاهر اوی‌اند و تنزیه خداست از شریک و حکم کردن بر یگانگی خدا در ذات و صفات و افعال و ... کلمه توحید لاله الا الله است. در اصطلاح سالکان، تلخیص دل و تجرید از غیر حق (سجّادی، بی‌تا: ۱۴۱).
ما تاب دهندگان تار توحید هم باز کنندگان تار اوهام
(شهریار، ۱۳۷۰: ۱۱۴۶)

۱۵. عدل

بذل افطار سفره عدلی است که در آفاق گستریده شود
(شهریار، ۱۳۷۰: ۱۰۱۴)

۱۶. نبوت و امامت

آری از دست نبوت به سر این تاج زرستم دره‌التاج امامت به کلاه و کمرستم
(شهریار، ۱۳۷۰: ۱۱۳۷)

۱۷. معاد

در سرم صور سرافیل دمیدند و سروش
با دل مرده من زندگی دیگر داد
(شهریار، ۱۳۷۰: ۹۹۶)

شهریار شاعری شیعی است. شعرهای دینی او متأثر از مذهب تشیع و تعالیم اسلامی است. در شعرش احکام و اعتقادات اسلامی موج می‌زند و اینگونه پای‌بندی خود را به اصول و فروع دین و ارزش‌های اخلاق اسلامی نشان می‌دهد. افزون بر آن چه از اصول و فروع و احکام دین اسلام در فوق گفته شد، آداب و احکام بسیار دیگری نیز در شعر این شاعر هست که ذکر همه آن‌ها در این وجیزه نمی‌گنجد. اما آنچه در میان این آیین در شعر شهریار بدان اشاره شده:

محرم و واقعه عاشورا

در میان شاعران پارسی سرای مسلمان کم‌تر شاعری هست که پس از حمد خداوند در مناقب انبیاء و پیامبران شعری نسروده باشد؛ چراکه با تجرّی خون اسلام در رگ و ریشه مردم ایران، زندگی و افکار و اخلاق این مردمان متأثر شده معاش و تلاش خود را بر بنیاد محکم احکام و اصول این دین الهی نهادند و پای‌بندی‌شان، ایشان را بر آن داشت که با حفظ سنن و آداب و احکام آن، آیین و مراسم متعلق بدان را نیز به پای دارند و با گذشت بیش از هزار و چهارصد سال همچنان پابرجای است. یکی از پرشورترین آیین، واقعه عاشورا و سوگواری بر سیدالشهدا(ع) است که شورها در سر و شعر شاعران افکنده، هر یک به زبان هنر خود به زیبایی و سوزناکی هرچه تمام‌تر آن واقعه عظیم را به تصویر کشیده‌اند. شهریار نیز از این توفیق بی‌نصیب نمانده و قصایدی در این باب سروده و به آیین و رسوم واقعه کربلا اشاره کرده است.

محرم آمد و نو کرد درد و داغ حسین
گریست ابر خزان هم به باغ و راغ حسین
(شهریار، ۱۳۷۰: ۹۸۹)

پیش از حلول ماه محرم، مردم مناطق مختلف به استقبال این ماه عزیز رفته، حسینیه‌ها، مساجد و تکایا و منابر را برای تعزیه و روضه خوانی آماده می‌کنند.

از حسینیه افق طاق نما چادر تکیه سیه بهر عزا

(همان: ۶۳۱)

ده روز نخست این ماه با راه اندازی دسته‌های سیاه‌پوش سینه‌زنان حسینی همراه دهل‌نوازی، زنجیرزنی، و علم‌گردانی، بیرق‌گرانی و مرثیه‌خوانی، شور خاصی به این مراسم می‌بخشند و از سر سوز دل و بر هوای ثواب بر حسین(ع) و یاران مظلومش اشک می‌ریزند و دعا می‌کنند و حاجت می‌طلبند و زیارت عاشورا می‌خوانند. از آدابی که در این مراسم سوگواری رعایت می‌شود «روضه خوانی» است که نوحه خواندن است بر مصائب اهل بیت پیامبر(ص) مأخوذ از روضة الشهداء تألیف ملا حسین واعظ کاشفی که کتابی است در ذکر مصیبت امام حسین(ع) که در مجالس سوگواری آن حضرت عیناً آن کتاب را برای مردم می‌خواندند و کم‌کم روضه‌الشهدا خوان را روضه خوان می‌گفتند و کلمه روضه را بر ذکر مصیبت اطلاق می‌نمودند:

سایه جان رفتنی استیم بمانیم که چه زنده باشیم و همه روضه بخوانیم که چه

(شهریار، ۱۳۷۰: ۹۳۸)

این مراسم که در مساجد و تکایا و حسینیه‌ها برگزار می‌شد با نمایش‌های شبیه‌خوانی و علم‌گردانی و نخل‌گردانی و آتش‌زدن خیمه و رجزخوانی شمر و ... همراه بود. «علم تیر چوبی سه متری است که بالای آن علامت پنجه آهنی، نماد دست بریده سقای کربلا، حضرت ابوالفضل(ع) نصب می‌کردند و با پارچه‌های رنگارنگ تزیین می‌شد» (علیمیرزالی، ۱۳۸۵: ۱۸۸).

«نوعی دیگر از علم چوب محکمی است به درازای دو متر و یک میله فولادی که به انتهای هر کدام گلوله کوچک لرزانی است و چهار فانوس کوچک که در پشت شیشه‌های قرمز رنگ آن‌ها شمعی روشن است. به این میله سه شال گرانبهای کشمیری، زینت‌آلات و جواهرات آویزان می‌کردند، حامل آن انتهای تحتانی آن را به کمر خود تکیه می‌داد و یک نفر هم او را یاری می‌کرد تا خسته نشود و پیشاپیش هیأت عزاداری حرکت می‌کرد» (همان: ۱۹۵).

از پس شاه ولی ماه محرم ز محاق بر در کعبه دل‌ها علم ماتم زد

(شهریار، ۱۳۷۰: ۸۲۰)

«وی در قصیده «حماسه حسینی» به بیان فلسفه نهضت و جنبش امام حسین(ع) و موضع خصمانه ایشان در برابر حکومت اموی می‌پردازد» (ممتحن و همکاران، ۱۳۸۹:

۱۵۴) و در این قصیده و در غزل «کاروان کربلا» این واقعه را به سوگ نشسته است:
شیعیان دیگر هوای نینوا دارد حسین روی دل با کاروان کربلا دارد حسین
می‌برد در کربلا هفتاد و دو ذبح عظیم بیش از این‌ها حرمت کوی منا دارد حسین
اشک خونین گو بیا بنشین به چشم شهریار کاندترین گوشه عزائی بی‌ریا دارد حسین
(۱۳۷۰: ۹۸)

«اکبرخوانی و شمرخوانی هم از جمله مراسم شبیه‌خوانی به شمار می‌رفت که شخصی در جایگاه حضرت علی اکبر(ع) و شخصی در جایگاه شمر(لعنه الله) ایفای نقش می‌کرد. مراسم شبیه‌سازی و شبیه‌خوانی ایرانی یک هنر نمایشی واقعی بود که در این روز برپا می‌شد و یادآور صحنه‌هایی از واقعه حزن‌انگیز کربلا بود» (علیمیرزالی، ۱۳۸۵: ۱۹۵)

به خیل درد و غم آمد فلک علم‌گردان که شمرخوانی من بین و دار و دسته من
(شهریار، ۱۳۷۰: ۹۴۴)

در شب عاشورا مراسم شام غریبان امام حسین(ع) و یارانش برگزار می‌شد:
شام را دیده و آن شیون و شین در شب شام غریبان حسین
دیده مهمان شب عاشورا سرپرست اسرای فردا
(شهریار، ۱۳۷۰: ۶۱۵)

رحلت پیامبر(ص) و وفات فاطمه(س)
از دیگر مناسبت‌های دینی که ایرانیان بسیار بدان پایبندند و آن را سخت حرمت می‌دارند رحلت نبی اکرم(ص) و وفات حضرت فاطمه(س) است:

ز یک سو داغ فقدان پیامبر ز یک سو زهرای اطهر
(همان: ۴۰۷)

قرآن خواندن

در دین اسلام و در خود قرآن مجید سفارش بسیار به خواندن قرآن شده است. به نزد *غزالی* (۱۳۹۰، ج ۱: ۲۴۲). «قرآن خواندن فاضل‌ترین عبادات است خاصه که در نماز بود بر پای ایستاده. رسول گفت (ص): فاضل‌ترین عبادات به نزدیک من قرآن خواندن است و گفت روز قیامت هیچ شفیع نیست نزدیک حق تعالی بزرگوارتر از قرآن - نه پیغامبر نه فریشته و نه غیر ایشان». «و نباید دانست که مقصود از قرآن، خواندن مجرد نیست بلکه مقصود کار کردن است و خواندن برای یاد داشتن می‌باید و یاد داشتن برای فرمان بردن» (همان: ۲۴۴):

در سواد شب توان خواندن کتاب آسمان شمع بزم صبحدم با ما و قرآن پیش ماست
(شهریار، ۱۳۷۰: ۲۹۳)

و به خواندن برخی سوره‌ها در برخی مناسبت‌ها سفارش شده مانند خواندن سوره یاسین بر مُرده. یاسین سوره سی و ششم از قرآن مجید است پس از «الفاطر» و پیش از «الصافات». آن را ۸۳ آیه است. در ابتدای آن ثنای رسول الله (ص) مذکور است و دمیدن و فروخواندن آن را طبق روایات اثرها باشد. سوره یاسین از قوارع قرآن کریم است و آن‌ها عبارت‌اند از آیاتی که هر که آن‌ها را بخواند از شیاطین و انس و جن مصون و مأمون شود از قبیل آیه الکرسی و آخر سوره بقره و ... (رک. دهخدا).

دیده‌ام محتضران را که به گلزار جنان می‌کند بدرقه با زمزمه قرآنی
(همان: ۱۰۷)

توسّل به امامان و شفاعت خواستن از ایشان

توسّل در اصطلاح یعنی انسان هنگام دعا و استغاثه به درگاه الهی وسیله‌ای عرضه کند که واسطه پذیرش توبه و اجابت دعای او شود. توسّل توصیه و فریضه الهی است که در قرآن هم صریحاً بدان اشاره شده است. بر اساس آیه:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ وَجَاهِدُوا فِي سَبِيلِهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾

(مائده/۳۵)

«ای کسانی که ایمان آوردید از خدا پروا نموده و برای نزدیک شدن به او وسیله بجویید و در راه او مجاهده نمایید شاید که رستگار شوید»
قرآن کریم اصل توکل را ضامن بقای ایمان و شرط رسیدن به فلاح می‌داند. این وسیله تقرب می‌تواند اعمال و عبادات باشد یا انبیا و اولیای خدا یا اشیاء مقدس چون قرآن و کعبه و ... شهریار به چهارده معصوم متوسل می‌شود:
توسل چارده معصوم را کن
که قرآن خواندشان سبع المثانی
(۱۰۱:۱۳۷۰)

مسأله شفاعت نیز یکی از معتقدات ضروری شیعه است چراکه در قرآن هم بدین امر اشاره شده است. در آیه‌الکرسی می‌خوانیم: ﴿مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ...﴾ (بقره/۲۵۵ و زمر/۴۴):

شفیع ما حسین بن علی کن
به ما هم ماه غیبت منجلی کن
(شهریار، ۱۳۷۰: ۴۱۱)

اعیاد اسلامی

بسیاری از جشن‌ها و اعیاد ایرانی و اسلامی و مراسم و آیین مربوط به آن در شعر بسیاری از شاعران نمود یافته که این امر خود سبب پاسداری از این آیین بوده و خواهد بود. اعیادی مانند نیمه شعبان، عید فطر، عید قربان، عید غدیر، ولادت پیغمبر(ص) و ... در شعر شهریار هم از این اعیاد یاد شده و از آنجا که پیش‌تر مقاله مفصلی در باب بازتاب این اعیاد در شهر شهریار مرقوم شده، این جا به ذکر نمونه‌هایی بسنده می‌شود. از عید فطر و قربان/اضحی در بندهای پیشین یاد شده و ذکر دوباره آن تصدیق است.

روز میلاد مهدی موعود
عید مستضعفان عالم بود
(شهریار، ۱۳۷۰: ۱۱۵۸)

عید غدیر خم روز هجدهم ذی‌حجه سال دهم هجرت (حجه الوداع) که حدیث «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلَى مَوْلَاهُ» در آنجا صادر شد و در این روز پیامبر(ص) علی(ع) را به امامت منصوب کرد و تاکنون این روز نزد امامیه جشن بزرگی است.

«منکر عید غدیر خم و آن خطبه و تنزیل

کر و کور است و عزازیل
با کر و کور چه عید و چه غدیری و چه خمّی
بابی انت و امّی...»

(همان: ۱۱۱۳)

حجاب

قبل از اسلام در میان بعضی ملل و در ایران باستان و در میان قوم یهود و احتمالاً در هند حجاب وجود داشته است. آیات مربوط به حجاب پیش از مسلمان شدن ایرانیان نازل شده بود. کلمه حجاب هم به معنی پوشیدن است و هم به معنی پرده و حاجب و استعمال آن در مورد پوشش زن اصطلاح نسبتاً جدید است. در سوره نور/۲۴ و ۳۱ در حدود پوشش به گونه‌ای اشاره شده است (رک. دهخدا). شهریار از اینکه برخی افراد حجاب را ابزار و پرده‌ای برای نهان کردن مناهی و بی‌عصمتی خود قرار داده‌اند، سخت گله‌مند است.

در حجاب است مناهی همه تا رفع حجاب پرده از روی ریاکار مناهی گیرد
(۱۳۷۰:۱۱۴)

از دیگر سو حیا و عفاف را خود حجابی می‌داند همان‌طور که غنچه زر عفاف خود را
زیر پرده حجب و حیا نگاه می‌دارد:

رخ و زلف آدمیت زن با حجاب و تقواست تو بر آن رخ دلارا خط و خال آدمیت
(همان: ۱۰۱۸)

شهریار این گونه مسلمانی از نوع امروزی را کفری بیش نمی‌داند کفری که آن را در
نقاب اسلام نهان کرده‌اند:

کافر این داوری کجا ببرد که مسلمان حجاب اسلام است
(همان: ۱۱۶۰)

اما وی حجاب را در مفهوم عرفانی نیز استفاده کرده است. حجاب در اصطلاح صوفیه
پرده‌ای است که آدمی را از قرب حق بازمی‌دارد. به نظر شهریار آن کس که پرده پندار از
چشم خود کنار زد فلک را جز چادری آبی بر قامت حق نمی‌بیند. حجاب سرّ وحدت با

پای امکان طی نمی‌شود و چه بسیار شه‌سواران وادی توحید که در آن مسیر مرکب‌هاشان پی شد.

نتیجه بحث

اصول و ارزش‌های اخلاق اسلامی در شعر و ادب فارسی نمونه‌های بسیار دارد. آنچه از این احکام و آداب از شعر شه‌ریار در این مقال کوتاه بررسی شد، مشت‌ی است نمونه خروار به این هدف که میزان بازتاب اصول اعتقادی او را در شعرش بنماید. موضوعات دینی و اخلاقی هم‌زمان با سال‌های انقلاب و پس از آن در شعر شه‌ریار نمود می‌یابد. لغات و تعبیرات و اصطلاحات معمول عامیانه و بازاری، توصیف مظاهر مملی و ابداع آثار عاطفی نیز در شعرش به وفور یافت می‌شود. محتوای شعر شه‌ریار، بازتاب تصاویر روزگار خود اوست از چشم انسان امروز. پس از انقلاب اسلامی شه‌ریار با سرودن اشعاری، تعهد خود به نظام مقدس جمهوری اسلامی را اثبات و استوار کرد. افزون بر اصول و عقاید عامیانه و ضرب‌المثل و اصطلاحات موسیقی که در آن نیز مهارت داشت، اصول و دستورات دین اسلام که در قرآن و سنت نیز به رعایت آن توصیه شده، در شعرش بسیار به چشم می‌خورد، از جمله اصول و فروع دین و دستوراتی چون احترام به والدین، ازدواج، بزرگداشت مناسبات مذهبی چون شب قدر و ایام محرم و اعیاد اسلامی و ایرانی، آداب معاشرت، حجاب، آیین تدفین و بسیاری دیگر که به دلیل پرهیز از اطاله مقال، در این گفتار به ذکر دستورات و اصول اسلامی پرداخته شد تا در فرصتی مقتضی، دیگر آداب ایرانی و اسلامی در شعر شه‌ریار مورد بررسی قرار گیرد.

کتابنامه

قرآن کریم.

نهج البلاغه.

- آرین پور، یحیی. ۱۳۸۲ش، از نیما تا روزگار ما (تاریخ ادب فارسی معاصر)، تهران: زوآر.
- سجادی، سیدجعفر. بی تا، فرهنگ لغات و اصطلاحات و تعبیرات عرفانی، تهران: کتابخانه طهوری.
- شهریار، سید محمدحسین. ۱۳۷۰ش، کلیات دیوان شهریار، تهران: نگاه.
- غزالی، ابوحامد محمد. ۱۳۹۰ش، کیمیای سعادت، ۲ جلد، به کوشش حسین خدیو جم، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- غزالی، ابوحامد محمد. ۱۳۹۲ش، احیاء علوم الدین، ۲ جلد، ترجمه مؤیدالدین خوارزمی، به کوشش حسین خدیو جم، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- قائمی، علی. ۱۳۶۴ش، اخلاق و معاشرت در اسلام، تهران: دفتر انتشارات امیری.
- قشیری، عبدالکریم بن هوازن. ۱۳۷۹ش، ترجمه رساله قشیریه، با تصحیحات و استدراکات بدیع الزمان فروزانفر، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- یاحقی، محمدجعفر. ۱۳۸۵ش، جویبار لحظه‌ها (ادبیات معاصر فارسی)، تهران: جامی.

مقالات

- شریف پور، عنایت الله و کاظمی، داریوش و دهقانی، فرشته. پاییز ۱۳۸۹، «بازتاب جشن‌های ایرانی و اعیاد اسلامی در شعر شهریار»، مطالعات ایرانی، شماره ۱۸، از ۱۵۹ تا ۱۷۸.
- علیمیرزالی، وحیده. زمستان ۱۳۸۵، «بازتاب آیین‌های ماه محرم در دیوان شهریار»، ادبیات فارسی، سال سوم، شماره ۸، از ۱۷۸ تا ۲۰۳.
- مروجی طیبی، محمدعلی. زمستان ۱۳۸۸، «اذان، رسانه‌ای از جهان ملکوت»، فرهنگ کوثر، شماره ۸۰، از ۳۷ تا ۴۴.
- ممتحن، مهدی و محمدیان، حسین و رودینی، محمد امین. پاییز ۱۳۸۹، «دین در اندیشه جواهری و شهریار»، مجله مطالعات ادبیات تطبیقی، شماره ۱۵، از ۱۴۳ تا ۱۶۴.